

نگاهی به کتاب

استاد و فرزند

برومند او

اثر دکتر حسین رزمجو



استاد و فرزند برومند او



غلامرضا رضائی

این کتاب همانطور که در پیشگفتار نویسنده می‌خوانیم «شامل چند مقاله وزامه ومصاحبه‌ای است در بزرگداشت علامه فقیده-استاد محمد تقی شریعتی مزینانی- و فرزند برومند او: متفکر و نویسنده بزرگ اسلامی، شادروان دکتر علی شریعتی- به قلم مؤلف- که از دوران نوجوانی خود به شاگردی استاد و دوستی و همکلاسی و هم‌زمی فرزند بزرگوارش مفتخر و مباحی بوده، به رشته تحریر درآمده است»^۱.

دکتر حسین رزمجو، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، انگیزه جمع‌آوری چنین مجموعه‌ای را روشن نمودن زوایای نادیده و ناگشوده ابعاد فکری این دو بزرگوار که باعث سوء تفاهمها و کج فهمیهای غافلان و سوء استفاده‌های مغرضین بوده و هست، ذکر می‌کند. وی همچنین معتقد است، اگر چه آثار دکتر از نظر فکری مورد نقد و بررسی نسبی قرار گرفته اما لازم است که این آثار از دیدگاه ادبی و هنری نیز مورد تأمل قرار گیرند.

این کتاب به سه بخش کلی تقسیم شده است:

بخش اول- مقالات

- ۱- استاد و فرزند برومند او.
- ۲- به یاد معلم بزرگوار.
- ۳- وحی و نبوت.
- ۴- ظرافت روح و زیبایی آثار دکتر شریعتی.

بخش دوم- نامه‌ها

- ۱- درباره اسلام شناسی.
- نامه مؤلف به دکتر شریعتی.
- پاسخ دکتر به مؤلف.
- ۲- بئ الشکوی.
- نامه دکتر شریعتی به مدیر مجله درسهایی از مکتب اسلام.
- نامه مؤلف به دکتر درباره مجله مکتب اسلام.
- پاسخ دکتر به مؤلف.
- پاسخ مؤلف به دکتر.

۳- هجرت.

- خدا حافظ شهر شهادت.

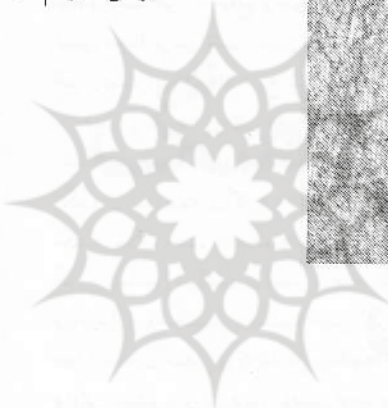
- دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست.

بخش سوم- مصاحبه

در مقاله «استاد و فرزند برومند او» دکتر رزمجو با اشاره به جریان تاریخی افراط و تفریط در مورد شخصیت‌های بزرگ جهانی به خاطر وجود چابده‌ها و دافعه‌های خاص این گروه، به بهترین نمونه این مسئله، یعنی وجود مولی‌المومنین علی علیه السلام و دو گروه دشمنان کوردل و هواداران غالی حضرت اشاره می‌کند و در ادامه استاد محمد تقی شریعتی و فرزند بزرگوارش، دکتر علی شریعتی را نیز درگیر همین مسئله می‌داند و نتیجه می‌گیرد: «بی‌گمان همین داوریهایی دوگانه و ضد و نقیضی که منحنی آن از لعنت و نفرت آغاز می‌شود و تا عشق و پرستش ادامه می‌یابد، برهانی است قاطع از اینکه این دو عزیز در صحنه تفکر و پژوهشهای اسلامی و هدایت



*** دکتر رزمجو: «به انگیزه ارادت دیرینه‌ای که با دکتر و علاقه‌ای که به مجله مکتب اسلام داشتم، به حکم وظیفه، طی نامه‌ای که به آن عزیز نوشتم، سرکشیهای قلمش را خاطر نشان ساخته و به بردباری و شکیبایی بیشتر دعوتش کردم».**



بهشتی- رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله سید علی خامنه‌ای- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی- مهندس میرحسین موسوی- دکتر حسن حبیبی- شهید دکتر مصطفی چمران- استاد دکتر سید عبدالکریم سروش- دکتر علی شریعتمداری- استاد محمد رضا حکیمی- دکتر حمید عنایت- پروفیسور حامد الگار- رژه گارڈی- جبهه آزادیبخش ارتره- دکتر ابراهیم دسوقی شتا- منیر شفیق، آورده شده است.

در مقاله دوم، تحت عنوان «به یاد استاد شریعتی معلم بزرگوار» نویسنده که افتخار شاگردی استاد را داشته از لایبای خاطرات به ترسیم سیمای این استاد فرزانه می‌نشیند: «او را از اولین برخوردش باشاگردان، معلمی فرزانه و دردآگاه یا قداستی زاهدانه و حجبی عارفانه یافتیم که لوای رهبری نسل جوان را صمیمانه بردوش می‌کشید و با گامهایی استوار و مطمئن راه دین و دانش را می‌پیمود و نوآموختگانی چون مرا به سلوک در وادی پاکبها

محمد رضا حکیمی- شیخ جواد مغنیه (دانشمند اسلام‌شناس لبنانی)- کامیار بنیا سامبا سانیان (دبیر کل جنبش آزادیبخش گامبیا) راجع به ایشان را نقل می‌کند. در ادامه نویسنده به معرفی دکتر شریعتی از دیدگاه پدر و سایر شخصیتها می‌پردازد. از آنچه استاد فقید محمد تقی شریعتی راجع به دکتر ابراز نموده به وضوح می‌توان دریافت که ایشان چه به عنوان پدر و چه به عنوان استاد، از شخصیت و ابعاد فکری دکتر رضایت کامل دارد، برای نمونه: «.. بزرگترین خدمتی که دکتر کرده این است که دین اسلام و مذهب تشیع را در بین طبقه روشن و تحصیلکرده مطرح کرده و اگر او نبود شاید این دسته که امروز هستند، اطلاع از شخص امام خمینی را به این کیفیت که اکنون دارند، نداشتند»^۱.

در ادامه مطلب، نظرات رهبر فقید انقلاب، حضرت امام خمینی (ره)- آیه الله سید محمود طالقانی- استاد شهید مرتضی مطهری- آیه الله شهید دکتر سید محمد

نسل جوان برجستگی و امتیازی خاص دارند و این جاذبه و دفعه شخصیت والای آنان است که عده‌ای را تا حد شیفنگی ارادتمندشان کرده و گروهی را تا مرز خصومت با ایشان، پیش برده است»^۲.

محتوای مطلب «سیمای روحانی استاد درآئینه ذهن فرزندان» گزیده‌هایی از نامه‌های دکتر شریعتی، خطاب به پدرش، که بیانگر شخصیت والای استاد و نقش مهم و خطیر ایشان در پروردن فرزندی چون دکتر علی شریعتی بوده است، می‌باشد. برای مثال، می‌خوانیم: «پدرم، نخستین سازنده ابعاد نخستین روحم، کسی که برای اولین بار، هم هنر فکر کردن را به من آموخت و هم فن انسان بودن را»^۳.

نویسنده سپس به شخصیت استاد محمد تقی شریعتی از دیدگاه شخصیتها می‌پردازد و نظرات حضرت آیه الله سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی- استاد محمد تقی جعفری- حجة الاسلام دکتر محمد خاتمی- استاد

نویسنده در ادامه با اشاره به اغتشاشات سیاسی و عقیدتی آن دوران به نقش مهم و حساس استاد در اشاعه فرهنگ اسلامی، بخصوص در بین نسل جوان می‌پردازد و می‌نویسد: «او یک تنه اما مقاوم و امیدوار با تمسک به قرآن و سلاح ایمان و غیرت دینی اش به جنگ سیاهپها و گمراهیها قیام کرد.»^۳

همچنین در این مقاله به معرفی آثار استاد از جمله «فایده و لزوم دین»، «وحی و نبوت»، «تفسیر نون»، «خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت»، «چرا حسین قیام کرد؟» پرداخته شده است.

در پایان این مقاله، بیوگرافی مختصری از استاد ذکر شده که حکایت از آرزومندی و سادگی و خلوص این مرد بزرگ می‌کند.

در مقاله «وحی و نبوت» که در سال ۱۳۴۹ به رشته تحریر درآمده، نویسنده پس از معرفی استاد به معرفی کتاب او، یعنی «وحی و نبوت» می‌پردازد و در جایی می‌نویسد: «این کتاب که به شیوه علمی و با استناد به مأخذ و منابع معتبر و نقل اقوال دانشمندان و فلاسفه خودی و بیگانه، مبتنی بر دلایل استوار عقلی و نقلی تألیف شده و به شیوه کذب خدا است، سرفصلهای آن شامل عناوین زیر است: وحی و نبوت- فرق میان وحی و الهام و...»^۴

مقاله چهارم یعنی «ظرافت روح و زیبایی آثار دکتر شریعی» متن سخنرانی نویسنده است در سمینار «دکتر شریعی و احیاء تفکر مذهبی» که در آن به جنبه‌های ادبی آثار دکتر توجه شده است. لازم به ذکر است که این مقاله به طور کامل در شماره اول مجله آشنا به چاپ رسیده است.

بخش نامه‌ها:

در آغاز نامه ادیبانه مؤلف را می‌خوانیم که اولین نوشته در معرفی کتاب اسلام‌شناسی دکتر شریعی محسوب می‌شود. در این نامه مؤلف با قلمی شیوا و جذاب به معرفی «اسلام‌شناسی» پرداخته و جای جای به شناخت دقیق دکتر از شخصیت پیامبر(ص) و براهین محکم او در توجیه و تبیین روند حرکت اسلام پرداخته و می‌نویسد: «به نظر من، در تحقیقات اسلام‌شناسی و سیره و تاریخ ادیان، تاکنون کتابی بدین وسعت دید و استحکام و زیبایی مطلب، کمتر نگاشته شده و حماسه‌ای اینچنین عظیم و انسانی به رشته تحریر درنیامده است.»^۵

و در صفحه ۱۱۵ جواب دکتر شریعی به نامه مؤلف را می‌خوانیم که در این نامه، دکتر با شیوه بیان خاص خود که طنزی گزنده و تلخ است، علت پرداختن به

* دکتر علی شریعی در اینجا نیز با افشاء ماهیت پلید روحانی نماهای درباری و آخوندهای بیسواد، علمای اسلام را از آنها استثناء می‌کند

«اسلام‌شناسی» را خلأ ناشی از عدم وجود کتابی شایسته و بی‌غرض اعلام می‌کند.

بناً الشکوی، مجموعه‌ای از نامه‌ها و جوابهایی است که بین دکتر شریعی و مؤلف کتاب رد و پیدل شده است، توضیح مطلب را از قلم مؤلف می‌خوانیم: «در سال ۱۳۵۱ مرحوم دکتر شریعی در جواب مقاله‌ای که در شماره اول سال سیزدهم مجله درسهایی از مکتب اسلام، با عنوان: «آیا حکومت اسلامی بر پایه شوری است» در نقد کتاب «اسلام‌شناسی» او نوشته شد، نامه‌ای سخت تند و خشمگین را در دفاع از خود به آقای مکارم، مدیر مسئول مجله مزبور نوشت. در این نامه، در چند جا عنان قلم از دست آن زنده یاد خارج شده و منتقد کتاب خود را با حملاتی تند به زیر تازیانه ملامت و تکه‌تکه کشیده است. این حقیر، پس از مطالعه دست نویس آن نامه، به انگیزه ارادت دیرینه‌ای که با دکتر و علاقه‌ای که به مجله مکتب اسلام داشته، به حکم و وظیفه، طی نامه‌ای که به آن عزیز نوشتم، سرکشهای قلمش را خاطر نشان ساخته و به درباری و شکسبایی بیشتر دعوتش کردم. و او نیز متقابلاً نامه‌ای مفصل را که مشتمل بر نکته‌ها و درددلهای فراوانی است، برای من فرستاد و ضمن توجیه موقعیت خود و بیان انگیزه‌اش در نوشتن آن نامه به مجله درسهایی از مکتب اسلام، تذکرات دوستانه‌ای مرا که تأثیر عمیقی بر روح حق پذیرش کرده بود، منصفانه پذیرفت.»^۶

نامه دکتر خطاب به آقای مکارم حاوی مطالب تندی است که البته نظیر آن را در سایر اسلامیات و اجتماعیات دکتر نیز دیده‌ایم. در یک کلام، اگر چه دکتر استدلال می‌کند، دلایل تاریخی اعم از احادیث و... نقل می‌کند ولی در پشت همه اینها به ناقد کتابش می‌گوید که آنچه به عنوان اشکال و ایراد در نقد بر من وارد کرده‌اید، بهانه‌هایی پوچ است و پس و شما در پس پرده دانسته یا نادانسته به تحریف عقاید من و تبلیغ سوء علیه آثار من کمر بسته‌اید.

دکتر علی شریعی در اینجا نیز با افشاء ماهیت پلید روحانی نماهای درباری و آخوندهای بیسواد، علمای اسلام را از آنها استثناء می‌کند و بار دیگر رشته تمام کسانی که او را مخالف علمای اسلام معرفی می‌کردند

پنبه می‌کند. صراحت کامل دکتر شریعی در اغتداد و اعتماد وی به روحانیت اصیل در سراسر این نوشتار هویداست، از جمله در این فراز که می‌گوید: «در یک کنفرانس عمومی به همه دانشجویان و روشنفکران رسماً اعلام کردم که اختلاف ما و برخی روحانیان ما یک اختلاف خانوادگی است، اختلاف سلیقه‌بسی است با پدرش بر اساس یک تعصب و یک مسئولیت و یک هدف مشترک و برای حفظ حیثیت و بقاء این خانه، وجه ناکس مردمی که اختلاف درون خانه را به کوچه برد و به گوش همسایه‌ها و رهگذران رساند و یا به کلانتری محل کشاند!

آشنایان ره عشق گرم خون بخورند ناکسم گر که شکایت بر بیگانه برم»^۷

در قسمت بعدی، تذکرات و توصیه‌های دکتر رهجو طی نامه‌ای که به دکتر شریعی نوشته درج شده است و در پی آن باز نامه‌ای از دکتر شریعی آمده که در آن علیرغم قبول فروتنانه و متواضعانه وی در خصوص بعضی مسائل، آگاهانه و محکم از اصول فکری و جوابیه خود به آقای مکارم و پیامدهای مثبت آن دفاع شده است.

قسمت شوم، بخش دوم کتاب، یعنی «هجرت» به مقاله‌ای از دکتر شریعی که بعد از هجرتش (۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۶) به اروپا نوشته، اختصاص یافته است. و در پایان آن نامه‌ای از مؤلف کتاب در تقدیر از مقاله و همدردی با دکتر شریعی آورده شده است. مقاله دکتر شریعی تحت عنوان «خدا حافظ شهر شهادت» جداگانه و به صورت کتاب چاپ شده است.

در بخش سوم نیز، متن مصاحبه تلویزیونی سه جلدی دکتر سعید رجایی خراسانی- دکتر رضا شعبانی و مؤلف که در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ به مناسبت سالگرد شهادت دکتر شریعی برگزار شده است به چاپ رسیده، در این مصاحبه نیز به ابعاد مختلف وجودی دکتر پرداخته شده و حاضرین متناسب با آشنایی با زمان و شخصیت دکتر شریعی به تحلیل و بررسی افکار و آثار وی پرداخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- استاد و فرزانه بر روند او پیشگفتار
- ۲- همان ص ۱۹
- ۳- همان ص ۲۰
- ۴- همان ص ۳۰
- ۵- همان ص ۵۱
- ۶- همان ص ۵۳
- ۷- همان ص ۶۷
- ۸- همان ص ۱۱۳
- ۹- همان ص ۱۲۱
- ۱۰- همان ص ۱۲۹